

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق

دکتر مهدی مقدسی نیا

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

دکتر عسگر بابازاده اقدم*

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دکتر حسین تکتبار فیروزجایی

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

فاطمه مضر الحلو**

چکیده

دعوتنامه‌ها به عنوان ژانری زبانی، داده‌ای جامعه‌شناختی محسوب شده و شاخصی برای ارتباط میان پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌گردد و با بررسی دعوتنامه‌های یک مقطع زمانی خاص می‌توان به گفتمانهای حاصل از پدیده‌های اجتماعی آن مقطع پی برد. این پژوهش تطبیقی، که با تکیه بر تحلیل ژانر و تحلیل انتقادی گفتمان انجام گرفته است می‌کوشد ساختار دعوتنامه جشن ازدواج را، که به زبانهای عربی و فارسی نوشته شده است، بررسی کند و نقش ارزشهای اجتماعی و فرهنگی را در شکل دادن آن مورد بررسی قرار دهد. آشنایی با رویکردهای اجتماعی دو فرهنگ متفاوت، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر دعوتنامه‌ها، مقایسه ساختار دعوتنامه‌ها و تبیین تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر پدیده‌های زبانی از مهمترین اهداف این پژوهش است. از آنجا که این پژوهش به بررسی رویکردهای اجتماعی دو کشور پرداخته و سطح شناخت از فرهنگهای متفاوت را افزایش می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اهمیت دادن به تنوع متن و شکل دعوتنامه جشن

۱۳۹



دور فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۵، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۲

*نویسنده مسئول: askar.babazadeh@gmail.com

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

ازدواج در ایران نسبت به عراق برجسته‌تر، و القاب اکتسابی در عراق از اهمیت و جایگاه بیشتری برخوردار است. مقوله‌های مذهب و مردسالاری در ساختار دعوتنامه جشن ازدواج در دو فرهنگ نقشی اساسی دارد با این تفاوت که نقش این دو مقوله در دعوتنامه جشن ازدواج کشورهای عربی از ایران پررنگتر است.

واژه‌های کلیدی: دعوتنامه جشن ازدواج، فرهنگ ازدواج در ایران و عراق، گفتمان مراسم ازدواج، نقش زبان در فرهنگ

۱. مقدمه

این پژوهش حاضر بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف، ۱۹۹۵؛ وندایک ۱۹۹۳؛ وداک، ۱۹۹۷) و تحلیل ژانر برگرفته از الگوی (سوالز، ۱۹۹۰؛ بهایتا، ۱۹۹۳) به تجزیه و تحلیل الگوها و مؤلف‌های تشکیل دهنده ژانر دعوتنامه‌های جشن ازدواج ایران و عراق می‌پردازد. دعوتنامه نوعی متن دوستانه است (میلر، ۱۹۸۴: ۲۱۵) که در آن از دیگران برای شرکت در مراسم عزا، عروسی و ... دعوت به عمل می‌آید که می‌توانند شکل شفاهی یا کتبی به خود بگیرد. از دعوتنامه‌ها به عنوان متون روزمره یاد می‌شود؛ زیرا درباره رخداد‌های مربوط به زندگی روزمره افراد، همچون عروسی، تولد، مرگ و ... اطلاع‌رسانی می‌کند (ال علی، ۲۰۰۶: ۷۱۴-۶۹۱). کارت عروسی، نوعی دعوتنامه است با ژانر شناخته شده در سراسر جهان که از پیوند زوجی در زمان و مکان مشخص خبر می‌دهد (ال علی، ۲۰۰۶: ۷۱۴-۶۹۱). این دعوتنامه‌ها در میان «متنهای دوستانه» از ژانر مخصوصی برخوردار است و خواننده از طریق کلماتی مانند جشن ازدواج، عروس و داماد، زمان و محل برگزاری مراسم می‌تواند آن را تمییز دهد. این پژوهش به این دلیل اهمیت دارد که تاکنون تحقیقی تطبیقی درباره دعوتنامه‌های جشن ازدواج در زبان فارسی و عربی انجام نشده است. از سوی دیگر، جستجو در این باره ما را به سمت تفاوت‌های عناصر فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ساختار و متن دعوتنامه‌های جشن ازدواج می‌کشاند و می‌تواند شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگ گویشوران دو زبان را مشخص کند. به هر حال، «مطالعه الگوهای رفتار - گفتاری در زبانهای مختلف، پایه اساسی برای مطالعات فرا زبانی است و در تلاشهایی که در عرصه روابط بینافرهنگی

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق
صورت می‌گیرد، می‌تواند کمک بسیار مناسبی باشد (wolfson، ۱۹۸۱: ۲۱).
اصلی‌ترین دغدغه نگارندگان در این تحقیق، شباهتها و تفاوت‌های این کارتهای
دعوت است. از رهگذر این تحقیق تطبیقی می‌توان به شباهتها و تفاوتها در
ساختارهای کارتهای دعوت، نوع زبان و نیز نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی
مختلف تأثیرگذار بر آنها پی برد.

۲. پیشینه پژوهش

تاریخچه دعوتنامه‌ها بسی طولانی است؛ ولی به طور کلی تحقیقات اندکی در حیطه
دعوتنامه جشن ازدواج صورت گرفته است. یکی از این پژوهشها، که به مطالعه این
نوع از دعوتنامه‌ها اختصاص دارد به تحلیل ژانر و تحلیل نقد گفتمان می‌پردازد. نتایج
تحلیل نقد گفتمان نشان می‌دهد که چگونه پدیده مردسالاری و ویژگیهای مذهبی بر
انتخاب اجزای متن و حتی گزینش لغات و واژگان تأثیرگذار است. در ایران دو مقاله،
دعوتنامه عروسی را از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرده است. در مقاله‌ای تحت عنوان "
Exploring the variability dynamics of wedding invitation discourse in Iran
Journal of Pragmatics" اثر علیرضا میرزایی و زهره اسماعیلی که در سال ۲۰۱۳ در شماره ۵۵ نشریه
ایران را شناسایی کردند. این مطالعه گفتمان و تنوع اجتماعی متون دعوتنامه عروسی را،
که از ۱۵۰ زوج در جنوب غربی، شمال غربی و مرکز ایران جمع‌آوری شده، بررسی
کرده، سپس به تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته است و اثبات می‌کند که در کنار مذهب،
دیگر عوامل نوظهور فرهنگی - اجتماعی همچون آموزش، فمینیسم و ارزشهای فرهنگی
اجتماعی، چون قومیت، تحصیلات، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، حرفه و سن بر
اولویت زوجهای جوان در گزینش شالوده‌ها و ویژگیهای دعوتنامه جشن ازدواج تأثیر
می‌گذارد؛ گفتمان مدرن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زوجهای مدرن انواع گفتمان
استدلالی را برای برآورده کردن تمایل خود ایجاد کرده‌اند که تحت تأثیر پدیده‌های
نوظهور اجتماعی است. (Mirzaei, A. & Eslami, 2013) مریم شریف و لطف‌الله
یارمحمدی در سال ۲۰۱۳ در نشریه SAGE Open در مقاله‌ای تحت عنوان "
Persian Wedding Invitation Genre" با به کارگیری تحلیل ژانر و با توجه به الگوی
تحلیل ژانر سولز، ۷۰ نمونه از کارت عروسی را از لحاظ اجزا، بخشهای اجباری و



اختیاری و ترتیب بررسی کردند و نشان دادند که چگونه ژانر کارت عروسی با توجه به ویژگیهای زبانشناختی کلی آن به وجود می‌آید و چرا متون این دعوتنامه‌ها به این شیوه خاص در فارسی سازماندهی شده است. نگارندگان بدین نتیجه رسیدند که جزئیات کارت عروسی ایرانیان در اعتقادات مذهبی، ارزشهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی جامعه ایرانی ریشه دارد. آنان قسمت‌هایی را برای ژانر کارت عروسی پیشنهاد می‌کنند که عبارت است از: آغاز کردن با نام خدا؛ نام عروس و داماد؛ متن دعوتنامه؛ نام میزبان عروسی؛ تاریخ، زمان، نوع پذیرش و نشانی (Sharif, M & Yarmohammadi, 1-9).

محمد نهار العلی در زمینه بررسی دعوتنامه جشن ازدواج در زبان عربی در سال (۲۰۰۶) به بررسی گفتمان شناختی کارتهای عروسی در اردن پرداخته و با بررسی کارتهای عروسی مناطق مختلف اردن نشان داده که عوامل فرهنگی - اجتماعی در شکل‌دهی متن کارت عروسی مؤثر است. تحقیق دیگری تحت عنوان "A Sociopragmatic Analysis of Invitations in English and Jordanian Arabic"، که در سال ۱۹۹۶ توسط صالح انجام شده به تحلیل جامعه‌شناسانه - کاربردشناسانه ساختارهای دعوتهای شفاهی در میان انگلیسی‌زبانان آمریکایی و عرب‌زبانان اردنی پرداخته است و تفاوتها و شباهتهای دو فرهنگ در حیطه دعوتهای شفاهی را روشن می‌سازد. صالح نتیجه می‌گیرد که به دلیل وابستگی‌های مذهبی جامعه اردن و نرم‌های اجتماعی - فرهنگی مختلف میان دو جامعه، دعوت‌کنندگان ممکن است از فرمهای خاص یا عناصر زبانی ویژه هنگام دعوت از دیگران استفاده کنند و الگوهای دعوتنامه‌های عربی به دلیل ویژگیهای مذهبی و برخی هنجارهای فرهنگی - اجتماعی خاص در جوامع عربی از دیگر زبانها متفاوت است (salih, 1996: 30-113). اما مطالعه وی فاقد چارچوب تحلیلی برای انواع دعوتها است و نگارنده از تفاوت گونه‌های مختلف دعوت و اهداف گوناگونشان غافل شده است؛ چراکه دعوت، انواع مختلفی دارد؛ مانند دعوت به میهمانی، عروسی، صلح و آشتی قبایل، جلسه و انجمن. اگرچه در کل، همه آنها هدفشان تعامل است، هر کدام با توجه به موقعیت، زمینه، روابط حضار و شرکت‌کنندگان و نوع گفتمان، نقش تعاملی خاصی دارند. با توجه به تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته، جستجویی در زمینه تجزیه و تحلیل الگوهای موجود در دعوتنامه جشن ازدواج ایران و عراق و تأثیر هنجارها و ارزشهای اجتماعی بر این

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق
الگوها انجام نشده است.

۳. روش پژوهش

۳-۱. روش جمع‌آوری داده‌ها

برای این پژوهش به چاپخانه‌ها و مکانهای گوناگون انتشار دعوتنامه جشن ازدواج مراجعه، و با اشخاص صاحب تجربه در این زمینه مصاحبه شد. انتخاب دعوتنامه جشن ازدواج عربی بیشتر به صورت رندوم صورت گرفته و برای تأمین این کارتها، علاوه بر اینترنت به کشور عراق مراجعه، و نمونه کارتهای متفاوتی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی از شهرهای مختلف جمع‌آوری شده است. تعداد کارتهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ (۲۰) مورد، ۲۰۱۱ (۱۲)، ۲۰۱۲ (۱۸)، ۲۰۱۳ (۱۸)، ۲۰۱۴ (۲۰) و ۲۰۱۵ (۲۰) نمونه بوده است. با تحقیقات میدانی درباره ویژگیهای کارتهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی این نتیجه به دست آمد که چاپ کارتها در آن دوره به صورت حروفچینی و دستی، و متن کارتها از کارتهای امروزی بسیار مختصرتر، و معمولاً کارتها در چنین ساختاری بوده است: « یتشرف فلان بدعوة حضرتکم لحضور حفلة عقد قران ولده فلان علی کریمه فلانه بداره الواقعة فی... ». جمع‌آوری دعوتنامه جشن ازدواج ایران از سالهای واپسین دهه ۵۰ تا ۹۰ صورت گرفت. تعداد کارتهای بررسی شده در اواخر دهه پنجاه (۱۴) نمونه، دهه شصت (۱۷)، دهه هفتاد (۲۱)، دهه هشتاد (۲۷) و دهه نود (۳۶) و کل کارتهای بررسی شده (۱۱۵) مورد است. بخشهای مختلف دعوتنامه جشن ازدواج ایران در دهه‌های مختلف شامل این موارد است: نام خدا، نام عروس و داماد، متن دعوت، شعر، نام خانوادگی عروس و داماد، زمان برگزاری مراسم و مکان برگزاری آن.

پرسشی که احتمالاً در اینجا مطرح می‌شود، دلیل چرایی عدم تطابق بازه‌های زمانی مربوط به نمونه‌های جمع‌آوری شده در دو کشور است. در پاسخ به این پرسش باید گفت که نمونه‌های جمع‌آوری شده از کشور عراق به دوره بعد از سقوط صدام مربوط است. در عراق دوره صدام، شیعیان در ابعاد مختلف مورد ستم واقع بودند و همین ستمها باعث می‌شد تا آنها به فکر ایجاد تنوع در نوع این دعوتها نباشند و به همان شیوه سنتی اکتفا کنند. بعد از حمله



عراق به کویت، این کشور عربی با تحریمهای گسترده‌ای از سوی قدرتهای جهانی روبه‌رو شد که البته بزرگترین قربانی این تحریمها، شیعیان بودند و بی‌هیچ‌شکی، این امر نیز فرصتی برای ایجاد تحول در نظام دعوت به جشن ازدواج فراهم نکرد. با خروج صدام از عرصه قدرت، زمینه مناسبتری برای شیعیان به وجود آمد تا به این ترتیب، تغییرات اجتماعی جدیدی را تجربه کنند که البته یکی از عرصه‌های تجلی این تغییرات را می‌توان در سامانه دعوت به جشن ازدواج جستجو کرد. ایران بر خلاف همسایه غربی خود دگرذیسی‌ها را بیست سال زودتر تجربه کرد و در دوره بعد از انقلاب در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحولاتی شگرف را شاهد بود بویژه در دوره بعد از جنگ که کشور آرامش نسبی را در عرصه‌های مختلف تجربه می‌کرد و همین امر باعث رشد استفاده از کارتهای عروسی شد و دعوتهای جشن ازدواج، بعد متفاوتی به خود گرفت. پس در جمع‌بندی باید گفت که اوضاع اجتماعی و سیاسی در انتخاب این بازه زمانی نقش مهمی داشته است.

۲-۳. روش تحلیل داده‌ها

الگوی پیشنهادی این تحقیق بدین صورت است که در ابتدا به بررسی دقیق ساختار و عوامل دعوتنامه جشن ازدواج ایران و عراق پرداخته شد. نشانه‌های زبانی و کلامی که در جهت فهم این عوامل به کار می‌رود، موشکافی، و سپس با توجه به موقعیت‌های فرهنگی - اجتماعی و با تحلیل ژانر و تحلیل گفتمان دعوتنامه‌ها به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات آن زبان برای تولید انواع متون پرداخته شد؛ معانی متن و زبان دعوتنامه جشن ازدواج نشان داده شد. شخصیت‌ها، ویژگیها و موقعیت‌ها و نهادهای کارتها مورد تحلیل قرار گرفت و به اعماق معانی نهفته در لابه‌لای جملات و متنهای دعوتنامه جشن ازدواج پرداخته شد.

۳-۳. تحلیل ژانر و تحلیل گفتمان

تحلیل ژانر، حوزه‌ای است که به بررسی ویژگیهای متمایز کننده یک زمینه مطالعاتی از زمینه‌های مطالعاتی دیگر می‌پردازد. مطالعات ژانر مدتها مورد

علاقه و توجه پژوهشگران زیادی واقع شده و شایعترین تعریف از ژانر از آن سولز، بهاتیا، هنری و رسبری است. هنری و رسبری (۲۰۰۱: Henry, Roseberry, ۹۴)، ژانر را رویداد فرهنگی و بینافردی استفاده از زبان تعریف می‌کنند. از دیدگاه سولز و بهاتیا (1990, Swales & 1993, Bhatia) ژانر، ساختار قابل شناختی است که با هدف اجتماعی آن در ارتباط است. تحلیل ژانر، پرداختن به ویژگیهای ساختار متن و دیگر الگوهایی است که در متنی خاص (مثلا دعوتنامه عروسی) و با توجه به هدف ارتباطی آن انتخاب می‌شود و این انتخاب، مستقیم با هدف ارتباطی متن یا کلام مرتبط است. تحلیل ژانر هم چنین به این مسأله می‌پردازد که چرا در یک ژانر واحد، یک یا چند نویسنده از ساختار یا کلمات خاصی استفاده کرده، و حال اینکه نویسنده یا نویسندگان دیگری در همان ژانر، ساختار یا کلمات دیگری را برگزیده‌اند؛ آیا عناصر اجتماعی در این میان تأثیر داشته است؟ توجه تحلیلگر ژانر نیز متوجه ذهن مخاطب و بررسی کلیشه‌های ذهنی جامعه است. تحلیل گفتمان، رویکرد میان‌رشته‌ای گسترده‌ای است که شاخه‌های گوناگون علوم انسانی را در بر می‌گیرد (wortham, ۲۰۰۷). این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زلیگ هریس مطرح شد (بهرام پور، ۱۳۷۹: ص ۸). در این روش فقط با عوامل درون‌متنی سروکار نداریم؛ بلکه عوامل برون‌متنی چون بافتهای فرهنگی، اجتماعی، موقعیتی و.. هم دخیل است (بهرام پور، ۱۳۷۹: ص ۸). این شاخه از زبان‌شناسی، «چگونگی تبلور معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی [زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی] بررسی می‌کند» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۲: ص ۱۰). در سالهای اخیر یکی از جنبه‌های مربوط به تحلیل ژانر، تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) است. از صاحب‌نظران بنام در این حیطه می‌توان به فرکلاف، وندایک و وُداک اشاره کرد. اگر تحلیل گفتمان را در سطح توصیف بدانیم، «تحلیل انتقادی گفتمان، آن را به سطح تفسیر و تبیین می‌رساند و می‌گوید تولید و فهم متن با عوامل بافتهای کلان، یعنی تاریخ، ایدئولوژی، جامعه، فرهنگ و قدرت رابطه دارد و «رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است که به دنبال آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای

ایدئولوژیکی در زبانشناسی است» (آفاگل زاده، ۱۳۸۵:ص ۱۱)؛ به عبارتی هدف آن، فراتر از شناسایی و توصیف عوامل سازنده و الگوهای تشکیل دهنده ژانر، و معتقد است که ردپای تاریخ، جهان بینی، ارزشها، عوامل اجتماعی فرهنگی در جای جای زبان مشهود است (امامی، ۱۳۸۶:ص ۲۶). از دیدگاه فرکلاف (Fairclough, ۲۰۰۳)، کلام تنها محصول ادای چند کلمه و یا بازتاب فرایندهای اجتماعی نیست، بلکه بیان کننده رابطه قدرت و ایدئولوژی است. تحلیل گفتمان انتقادی اساسا به مسائلی چون قدرت و برتری در معنای عام و خاص اشاره می کند و تحمیل قدرت و ایدئولوژی را در جامعه آشکار می سازد. نورمن فرکلاف (Fairclough, ۲۰۰۳)، CDA را شیوه مطالعه زبان در زمینه قدرت و ایدئولوژی می داند. به باور ون دایک (Van Dijk, ۱۹۹۸)، CDA به بررسی ماهیت قدرت و تأثیر آن بر روابط اجتماعی می پردازد. به اعتقاد وُداک (Wdak, ۲۰۰۲) با تکیه بر CDA می توان موضوعاتی چون روابط، کنشهای اجتماعی، گروه های اجتماعی، فرهنگ، دانشها و ادراکات را بررسی کرد. هرچند این دو رویکرد (تحلیل ژانر و تحلیل گفتمان) با هم مرتبط است و همپوشانی دارد، مکمل یکدیگر است؛ چرا که تحلیل ژانر به بررسی عوامل و عناصر تشکیل دهنده دعوتنامه ها می پردازد و تحلیل گفتمان، نقش عناصر اجتماعی مهمتری چون قدرت، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی را بررسی می کند که در ساخت و پیدایش و تفسیر دعوتنامه ها مؤثر است. با تکیه بر تحلیل گفتمان می توان جنبه های فرهنگی، اجتماعی و یا معنایی آن متن و یا کلام را مورد مطالعه قرار داد. تحلیلگران گفتمان، موضوعات متعددی را از این دیدگاه قابل بررسی دانسته اند. ون دایک (Van Dijk, 2001)، این روش را به منظور تحلیل مسائل اجتماعی از جمله نابرابریهای جنسیتی، نژادی، طبقاتی، دینی، زبانی و .. مناسب می داند. در این میان، بررسی تطبیقی شیوه نگارش دعوتنامه جشن ازدواج با رویکرد تحلیل گفتمان درخور توجه است. از آنجا که تفاوت زبان دعوتنامه ها در بیان برخی مفاهیم در تفاوت الگوهای فکری برخاسته از تفاوت فرهنگها ریشه دارد و « هر زبانی تصویر متفاوتی از واقعیت جهان خارج به دست می دهد» (باطنی، ۱۳۷۳:ص ۱۶۴) و دستور زبانهای مختلف،

_____ بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق
اندیشه‌های یکسان را با ساختارهای متفاوت قالب‌سازی می‌کنند»
(brown, ۱۹۸۷)، بررسی تطبیقی این ژانر زبانی در بافت فرهنگی ایران و عراق
می‌تواند ما را به نتایج سودمندی برساند.

۴. ساختار دعوتنامه جشن ازدواج ایران و عراق

۴-۱. دعوتنامه جشن ازدواج ایران

بخشهای مختلف دعوتنامه جشن ازدواج ایران عبارت است از: نام خدا و عبارتهای مذهبی، نام دعوت‌کننده، معرفی عروس و داماد، متن اصلی، ابیات شعری و زمان و مکان برگزاری مراسم.

۴-۱-۱. آغازینۀ دعوتنامه‌ها

در اواخر دهه ۵۰ عبارتهایی چون «به نام خدا»؛ «الله اکبر، خمینی رهبر، مسجد سنگر» و حدیث «النکاحُ سُنتی فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنتی فَلیس منی» در ابتدای دعوتنامه‌ها از بسامد زیادی برخوردار بود. در دهه ۶۰ عبارتهایی چون «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»، «با تأییدات خداوند متعال»، «در ظلّ توجّهات ولیّ عصر» و آیه مبارکه «...خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم / ۲۱) و «به نام پیوند دهنده قلبها» نمود بارزی داشت. در کارتهای دهه ۷۰ بتدریج تغییراتی در عبارتها صورت گرفت و بیشتر از عباراتی چون «به نام پیوند دهنده قلبها»، «به نام خداوند خالق عشق»، «به نام آن که هستی را آفرید» و «با تأییدات خداوند متعال» استفاده می‌شده است. این تغییرات در دعوتنامه جشن ازدواج دهه ۸۰ نیز ادامه یافت. نکته مهم در این تغییر، گرایش به استفاده از عبارات ادبی و فارسی‌نویسی و یا ترجمه صرف عبارات دینی عربی است.

۴-۱-۲. متن دعوتنامه‌ها

متن کارتهای اواخر دهه ۵۰ معمولاً مضمون دینی و ساختاری ادبی داشت. در دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ بیشتر کارتها مقدمه‌ای متنی یا شعری چندبیتی با محتوای عاشقانه داشت. در دهه ۹۰ متن دعوت به مراسم معمولاً با شعری دو یا سه بیتی آغاز می‌شد که محتوای آن گاه عاشقانه و گاه، دینی، و جنبه مذهبی آن در



صورت مصادف بودن مراسم عروسی با ایام ولادت ائمه معصومین یا دیگر اعیاد اسلامی برجسته‌تر بود. غالب این ابیات معمولاً ساختار ادبی فصیح داشت و گاه نیز کمتر ابیاتی به زبانها و حتی لهجه‌های محلی مازنی، گیلکی، لری و کردی بین کارتها به چشم می‌خورد. مقایسه و موشکافی دقیق متن کارتهای دهه‌های اواخر ۵۰ تا ۹۰ نشان می‌دهد که در همه دهه‌ها، قسمت دعوت به مراسم جشن ازدواج شامل متن یا اشعار دو بیتی، و محتوای آنها در دهه‌های ۵۰، ۶۰ معمولاً ساده و مذهبی بود؛ اما در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و بویژه دهه ۹۰ محتوای این متنها بتدریج تغییر یافت و ساختار ادبی - عاشقانه پیدا کرد که این پدیده می‌تواند در پیشرفته‌ها و تحولات ادبی، فرهنگی و اجتماعی ایران این دهه‌ها ریشه داشته باشد.

۴-۱-۳. زمان و مکان برگزاری مراسم

بررسی کارتهای ایران نشان می‌دهد معمولاً مراسم عروسی در ساعتهای اولیه شب برگزار می‌شود. در دهه ۸۰ ابتدا ساعت و سپس تاریخ شمسی مراسم نوشته می‌شد و با اینکه ساعت مراسم با زمان اذان مصادف بود، پس از ذکر زمان، جمله‌ای مانند "بعد از نماز ظهر یا نماز مغرب" - که گاهی در کارتهای اواخر دهه پنجاه و دهه شصت به چشم می‌خورد - وجود ندارد. مکان برگزاری مراسم در اواخر دهه ۵۰ معمولاً در منازل یا مساجد، و در دهه ۶۰ و ۷۰ مکان برگزاری مراسم معمولاً خانه عروس یا داماد یا یکی از اقوام نزدیک بود. در دهه ۸۰ مکان برپایی مراسم بتدریج تغییر یافت و در کارتها نشانی تالار مشاهده می‌شود، هرچند مراسم در منازل نیز به فراوانی برپا می‌شد در دهه ۹۰ برپایی مراسم در تالارها رواج بیشتری یافت و کمتر در منازل برگزار می‌شد که علت روی آوردن مردم به برپایی مراسم در تالارها را می‌توان تحت تأثیر آداب و رسوم، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی آنها، گسترش پدیده آپارتمان‌نشینی، پیشرفتهای فرهنگی و اجتماعی، غرب‌گرایی و ... دانست.

۴-۲. دعوتنامه جشن ازدواج عراق

بخشهای مختلف دعوتنامه جشن ازدواج عراق عبارت است از: آغازینه دینی،

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق
معرفی میزبان، معرفی عروس و داماد، متن اصلی، ابیات شعری، زمان و مکان
برگزاری مراسم.

۴-۲-۱. آغازینه دعوتنامه‌ها

در آغاز کارتهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی معمولاً عبارتهای دینی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و حدیث «النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» درج می‌شده است. کارتهای سال ۲۰۱۱ میلادی معمولاً با آیه مبارکه «وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» (روم/ ۲۱) بدون ذکر نام خداوند آغاز شده است. بررسیها نشان می‌دهد که ذکر این آیه مبارکه بیشتر از ذکر نام خداوند در ابتدای کارتها رایج بوده است. در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، معمولاً کارتها با عبارت "بسمه‌تعالی" و سپس آیه مبارکه «وَمَنْ آيَاتِهِ...» (روم/ ۲۱) آغاز می‌شده که این شیوه در بیشتر کارتهای این دوره رواج داشته است. علت قرار گرفتن نام خداوند یا حدیث پیامبر در ابتدای کارت را می‌توان نشان از اهمیت دادن مردم عراق نسبت به مبانی دین دانست. گاهی نیز متن دعوت از نام خداوند و حدیث خالی است و دلیل این امر می‌تواند حفظ جنبه قداست اسامی متبرک و احادیث و آیات باشد. نتیجه اینکه شروع متن در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ با نام خدا یا آیه یا حدیث در بیشتر کارتهای عراق بوده است؛ اما در کارتهای سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ ابیات شعری با مضمون عاشقانه در متن نمود و بسامد بیشتری دارد.

۴-۲-۲. معرفی میزبان (دعوت‌کننده)

ذکر نام کامل پدران زوجها پس از نام خدا و قبل از اسم داماد به این معناست که آنها میزبان مراسم عروسی و مسئول دعوتند. در کارتهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نام دعوت‌کننده در عبارتهایی مانند یتشرف فلان (فلانی مشرف می‌شود) یا عبارت "تتشرف عائلة فلان" بوده است و معمولاً ذیل ذکر نام خدا درج می‌شد. در کارتهای سال ۲۰۱۱ میلادی نام پدر داماد در عباراتی مانند یتشرفان بدعوتکم لحضور حفل زفاف ولدهما وجود داشت. در ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ میلادی نام دعوت‌کننده در عبارتهایی مانند تتشرف عائلة فلان و یا یتشرفان فلان در آغاز

متن دعوت بیشتر کارتها، و گاهی نیز نام دعوت‌کننده با القابی مانند دکتور، مهندس، سید و... همراه بوده است. در نمونه‌های ۲۰۱۴ نام دعوت‌کننده در قالب عبارتی چون یتشرف فلان که مقصود از فلان، پدر داماد است، درج می‌شد. در کارتهایی تاریخی برپایی مراسم بر بقیه موارد مقدم شده و شیوه دعوت به مراسم از زبان دعوت‌کننده با ضمیر سوم شخص صورت گرفته است. در کارتهای ۲۰۱۵ میلادی گاهی نام دعوت‌کننده، که پدر داماد بود با عبارت یتشرف فلان و گاهی عبارت "یدعوکم لحضور حفله زفاف ولده" در ابتدای کارتها درج می‌گشت. گاهی دعوت‌کننده به صورت عبارت "تتشرف عائله فلان" و گاه هم به صورت مثنی "یتشرفان یا تتشرفان" بوده است؛ زیرا دعوت‌کنندگان، دو نفر، یعنی پدر داماد و عروس یا خانواده‌های عروس و داماد بودند. گاه نیز دعوت‌کننده پدر بزرگ پدری داماد بوده و در قالب عبارت "یدعوکم لحضور حفله زفاف حفیده" درج می‌گشت.

۴-۲-۳. متن دعوتنامه‌ها

متن دعوت به عنوان یکی از بخشهای اصلی کارت عروسی، معمولاً شامل جملات کوتاهی بود که محتوای آن دعوت از میهمانان به گونه‌ای مؤدبانه و ادبی بوده است. در کارتهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، پس از نام کامل دعوت‌کننده، نوع مراسم، که عقد قرآن (جشن عقد) یا حفله زفاف (جشن عروسی) بود، درج می‌شد. در نمونه‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، متن دعوت کمتر با ابیات شعری در مضمونهای معمولاً عاشقانه و متناسب آن مراسم آغاز می‌گشت. در متن کارتهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ عبارت "یتشرف فلان بدعوتکم لحضور حفله زفاف - عقد قرآن فلان" و گاهی عبارت "یتشرف فلان بدعوتکم لحضور..." و گاه "یتشرف فلان بدعوتکم لحضور مأدبه الغداء وذلك بمناسبه زفاف فلان" وجود داشته است. نتیجه اینکه بخشهای گوناگون کارت در سالهای مختلف، متفاوت بوده و ترتیب خاصی در آن نبوده است و در هر یک از بخشهای کارت مانند نوع مراسم و زمان آن یا نوع پذیرایی، تقدم و تأخر هست و این ویژگی در کارتهای سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بیشتر به چشم می‌خورد.

۴-۲-۴. معرفی عروس و داماد

در نمونه‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ معمولاً نام داماد همراه با القابی مانند السید، الدكتور، المهندس و... و بعد از آن عبارت "کریمه السید فلان" نوشته می‌شد؛ ولی نام عروس ذکر نمی‌شد؛ بلکه نام خانوادگی پدر عروس در کنار واژه "کریمه" ثبت می‌گشت؛ مانند کریمه السید موسوی. نکته مهم اینکه نام عروس و داماد و پدرانیشان معمولاً با القابی مانند الدكتور، الدكتور، المهندس، المهندس و...؛ که بیانگر جایگاه اجتماعی آنان است، همراه بوده است. نتیجه اینکه در همه کارتهای بررسی شده در سالهای متفاوت ذکر نام داماد الزامی بود که گاهی فقط نام کوچک او و گاهی نام و نام خانوادگی وی درج می‌شد و معمولاً با القابی چون دكتور، مهندس، استاد، سید و... همراه بوده است؛ اما نام عروس جز در موارد بسیار اندکی نوشته نمی‌شد و معمولاً به صورت "دوشیزه آقای فلانی" درج می‌گشت.

۴-۲-۵. زمان و مکان برگزاری مراسم

تاریخ برگزاری مراسم در ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ معمولاً قمری یا میلادی است. در ۲۰۱۱ ساعت برگزاری مراسم در برخی از کارتها به صورت "بعد صلاة المغرب" بود که این امر می‌تواند بیانگر توجه عراقیها به دین اسلام و واجبات آن باشد. بررسی کارتهای مناطق جنوبی عراق نشان می‌دهد که معمولاً مکان برگزاری مراسم در منازل بوده؛ ولی در شهرهای دیگر از جمله بغداد (پایتخت عراق) معمولاً مراسم در تالارهای مخصوصی برگزار می‌شده است و دلیل آن را می‌توان وجود امنیت بیشتر، پیشرفته بودن این شهرها، تمایل مردمانشان به تجمل‌گرایی، تحولات اجتماعی و فرهنگی و... دانست. در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ مراسم غالباً در سالنهای مخصوص بود؛ هرچند در خانه‌ها نیز برپا می‌شده است. در کارتهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برپایی مراسم در شهرهای مذهبی و جنوبی عراق معمولاً در سالنهای مخصوص بود در حالی که پیش از این در منازل برپا می‌شده است.

۳-۴. تحلیل داده‌ها

بخش اول پیام دعوت می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد. در غالب کارتهای عروسی، یک عبارت زیبای ادبی با موضوع ازدواج در ابتدای کلام است. عبارتهایی را که در ابتدای کارتهای عروسی به زبان عربی نوشته می‌شود، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، استفاده از یک آیه قرآنی درباره ازدواج یا ذکر عبارتی دعایی برای عروس و داماد. دسته دوم استفاده از یک عبارت شعری که در مقایسه با زبان فارسی، عربها بیشتر به استفاده از شعر تمایل دارند. سومین مورد، استفاده از عبارتهای زیبای ادبی است که برخلاف زبان فارسی، غالبا تلاش می‌شود که به صورت مسجع و آهنگین باشد تا به این ترتیب تا حدی به شعر نزدیکتر شود و رنگ و بوی کلام منظوم را داشته باشد: فی يوم من الأيام ... القمر يرسل السلام ... والنجوم حولها تنسق الكلام ... عن قلبين محبين جمعهما الحب والهيام ... و صوب نحوهم سهام الشوق والغرام ...

در فرهنگ عربی به دلیل اهمیتی که پدر در خانواده دارد، نام پدر به عنوان فردی ذکر می‌شود که افراد را به مراسم ازدواج فرا می‌خواند. این امر نشانگر اهمیت وابستگی خانوادگی داماد است که در مناسبات اجتماعی نقشی تعیین کننده دارد؛ ضمنا دعوت از افراد در صورتی رسمیت دارد که دعوت از سوی پدر داماد صورت گرفته باشد نه از سوی شخص داماد. در واقع، ذکر نکردن نام داماد در ابتدای کارت عروسی و درج نام پدر وی حکایت می‌کند که دعوت کننده، شخص داماد نیست و اگر پذیرشی هم صورت گیرد در حکم احترام گذاشتن به پدر داماد است، نه شخص داماد. این وابستگی خانوادگی به قدری اهمیت دارد که در یکی از کارتهای عروسی و با وجود فوت پدر، باز هم نام او ذکر می‌شود؛ با این تفاوت که در کنار نام پدر فوت کرده داماد، واژه «عائله» ذکر می‌گردد؛ یعنی اینکه خانواده مرحوم فلانی شما را به شرکت در این مراسم دعوت می‌کنند. جایگاه خانواده و هویت خانوادگی داماد و وابستگی او به این مجموعه چنان مهم و گسترده است که در برخی از کارتهای عروسی، که پدر داماد سالها از فوتش گذشته و یا پیش از تولد داماد جان سپرده است، برادرهای بزرگتر هستند که هویت خانوادگی برادر

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق

کوچکترشان را تشکیل می‌دهند؛ به عنوان نمونه در یکی از کارتهای دعوت ازدواج، که به زبان عربی نوشته شده، چنین آمده بود: یتشرف غانم و عبدالله وراشد و ابراهیم، أبناء المرحوم علی بن غانم الکشاشی المهندی بدعوتکم لحضور حفل زفاف أخیهم علی...: (غانم، عبدالله، راشد، ابراهیم، فرزندان مرحوم علی بن غانم الکشاشی المهندی مفتخرند که شما را به جشن عروسی برادرشان علی دعوت کنند.)

در زبان فارسی گویی دعوت‌کننده اصلی شخص داماد است که هویتش در کنار عروس شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل نام کوچک داماد و نام خانوادگی و سپس نام عروس به همراه نام خانوادگی او در کنار هم ذکر می‌شود. گویی در فرهنگ فارسی، این دو تن یک خانواده مستقل را تشکیل داده‌اند و می‌توانند به دلیل تشکیل چنین بنیان اجتماعی، افراد را به مراسم ازدواجشان دعوت کنند. در نمونه کارتهای دعوت فارسی، که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، موردی از ذکر نام پدر عروس و داماد دیده نشد. البته این امکان هست که در مواردی، کارتهای دعوت - در برخی مناطق کشور - نام آنها را در خود جای داده باشد که مطمئناً این کار یا به دلیل احترام و یا به خاطر شناخته شدن هویت زوجین است. چنین احساس می‌شود که عروس و داماد در کنار همدیگر از این هویت اجتماعی بهره‌مند می‌گردند که توان و صلاحیت دعوت افراد را داشته باشند. مشابه این موضوع در کارتهای عروسی دیگر کشورهای دنیا نیز مشهود است؛ به عنوان نمونه در کارتهایی که به زبان انگلیسی نگارش می‌شود، ذکری از نام والدین عروس و داماد نیست؛ حال اینکه در کارتهای عروسی در فرهنگ اسپانیایی، نام والدین عروس و داماد در ابتدا ذکر می‌شود (Johns, 1997:39).

در غالب نمونه‌های کارت عروسی عربی، هیچ نامی از عروس برده نمی‌شود و تنها برای مشخص شدن هویت عروس از واژه محترمانه «کریمه» استفاده، و سپس نام پدر عروس ذکر می‌شود. این موضوع حکایت می‌کند که ذکر نام عروس به نوعی رفتار نابهنجار اجتماعی تلقی می‌شود و برای همین منظور و جلوگیری از لطمه زدن به این قانون اجتماعی از یک سو و مشخص



شدن هویت عروس از این روش استفاده می‌کنند. گفتنی است که در برخی کارتها هیچ نامی از عروس و پدرش نیز برده نمی‌شود. این قضیه حاکی است که در هر کشوری گفتمانهای متفاوت وجود دارد؛ علاوه بر آن در داخل هر کشور نیز گفتمانها با هم تفاوت دارند. گفتمان دعوتنامه‌ها نیز حسب مکان و زمان تفاوت می‌کند و **دعوتنامه جشن ازدواج** با توجه به انواع نهادها و جایگاه‌های اجتماعی متفاوتی که در آنها شکل می‌گیرد و نیز با توجه به موقعیت، جایگاه و شأن افرادی فرق می‌کند که آنها را تهیه می‌کنند، می‌نویسند و یا دعوت می‌شوند و مخاطب قرار می‌گیرند. بنابراین، زمینه و بستر گفتمان، جریان‌ی واحد و یکدست نیست. در زبان فارسی، هنگام ذکر نام عروس از واژه «دوشیزه» استفاده می‌شود که در فرهنگ ایران القاکننده مفهوم باکره بودن است. این باکره بودن پیش از ازدواج در فرهنگ ایرانی برای دختری که قصد ازدواج دارد، مهم و حیاتی تلقی می‌شود و در واقع مهر پاکی بر نام عروس است.

در فرهنگ فارسی، ذکر نام و نام خانوادگی عروس، کاملاً طبیعی و رفتاری بهنجار تلقی می‌شود. البته در برخی از خانواده‌ها، ذکر نام کوچک می‌تواند ناپسند تلقی شود و به همین دلیل و برای اینکه مستقیماً نام کوچک عروس را نبرند، تنها به نوشتن حرف اول نامش اکتفا می‌کنند. در برخی از کارتهای زبان فارسی به منظور القای دوستی و نزدیکی میان مدعو و دعوت‌کننده در ابتدای کارت عروسی، نام کوچک عروس و داماد ذکر می‌شود و در پایان کارت جایی برای ذکر نام خانوادگی دو نفر در نظر گرفته شده است. در هر دو زبان، نام داماد در ابتدا ذکر، و در غالب کارتهای بررسی شده، بسیار کمتر نمونه‌ای از تقدم نام عروس بر نام داماد دیده می‌شود که این موضوع نیز اهمیت بیشتری است که داماد نسبت به عروس دارد.

موضوع دیگری که در کارتهای عروسی، که به زبان رسمی نوشته شده، شخص و عدد در فعل است که در زبان عربی دو حالت دارد: در حالت اول، دعوت‌کننده به صورت سوم شخص ذکر می‌شود که در غالب موارد از همین ساختار استفاده می‌شود؛ به عنوان نمونه چنین نوشته می‌شود: يتشرف السيد ... أن يدعوكم إلی: (آقای مفتخر است که شما را به دعوت کند.)

استفاده از ضمیر سوم شخص برای معرفی خویش، ایجاد نوعی فضای آکنده از احترام و رسمیت را برای گوینده به دنبال دارد که به گفته گیلوت (Gilliot, 2006: 41) نمونه آن در قرآن دیده می‌شود و بنا به اعتقاد روثون (Ruthven, 2007: 50) استفاده متکلم از ضمیر سوم شخص هنگام معرفی خویش، طبیعی تلقی می‌شود. در این حالت، طرف مقابل نیز از باب احترام به صورت دوم شخص جمع مورد صحبت قرار می‌گیرد که استفاده از صیغه دوم شخص جمع به جای دوم شخص مفرد، القاکننده همین احترام است (Walker, 2007)؛ گویی نامه، حالت واسطه‌ای دارد که برای شما ماجرابی را تعریف و بازگو می‌کند. در این حالت، نوع خطاب رسمی‌تر است. به کارگیری صیغه‌های دوم شخص جمع به جای دوم شخص مفرد، احتمالاً شیوه وارداتی احترام از زبانهای اروپایی باشد. امکان و احتمال دومی که در مورد استفاده از دوم شخص جمع وجود دارد، این است که چون طرف دعوت شده، بیشتر به همراه خانواده در مراسم حضور می‌یابد و خانواده شامل جمعی بیش از یک نفر است، از ساختار دوم شخص جمع در زبان عربی برای آن استفاده شده است. در حالت دوم، مدعو هنگام دعوت کردن برای بیان خواسته خویش از ضمیر اول شخص جمع استفاده می‌کند و دعوت شده را نیز به صورت دوم شخص جمع، خطاب قرار می‌دهد؛ مانند این عبارت: یسرنا آن ندعوکم الی حفلة زواج ابننا (مایه بسی مسرت است که شما را به جشن ازدواج پسرمان دعوت کنیم).

استفاده از اول شخص جمع به این دعوت حیات بیشتری می‌دهد و آن را از رابطه رسمی صرف خارج می‌گرداند و گویی دعوت‌کننده، خود را پیش مدعو احساس می‌کند و برای همین به استفاده از ضمیر سوم شخص نیازی نمی‌بیند. دلیل اینکه در اینجا از اول شخص مفرد استفاده نمی‌شود، این است که فرد، خود را تنها احساس نمی‌کند و خویشتن را در قالب مجموعه‌ای موسوم به خانواده تعریف می‌کند؛ به همین دلیل، اول شخص مفرد را به کار نمی‌گیرد. در کارتهای عروسی، که به زبان فارسی نوشته شده به هیچ وجه از ساختار سوم شخص استفاده نشده است و دعوت‌کننده یا دعوت‌کنندگان برای

معرفی و طرح خواسته خویش از ضمائر سوم شخص استفاده نکرده‌اند؛ بلکه دعوت‌کننده ضمیر اول شخص جمع را هنگام صحبت در مورد خویشان به کار گرفته است. همان‌طور که بیان شد در اینجا دعوت‌کننده یک فرد نیست؛ بلکه یک خانواده شامل داماد و عروس است و برای همین از ساختار اول شخص جمع استفاده شده است. در کارتهای عروسی فارسی، طرف دعوت شده به مراسم نیز همچون زبان عربی به صورت دوم شخص جمع (جمع مخاطب) ذکر شده که این موضوع نیز یا به سبب احترام و یا به این دلیل است که طرف مقابل به صورت جمعی (به همراه همسر و فرزند خویش) در مراسم حضور می‌یابد. برای اطلاع دادن از زمان و مکان مراسم در زبان فارسی از همان عبارت «مکان» و «زمان» استفاده می‌شود؛ ولی عبارتی که در کارتهای عروسی عربی و پیش از ذکر زمان و مکان خودنمایی می‌کند، «ذلک بمشیئة الله تعالی» است که باعث می‌شود تا برگزاری جشن ازدواج در گرو خواست و اراده الهی باشد و این موضوع بعدی دینی به خود بگیرد. بعد از ذکر زمان و مکان، یک بخش فرعی هست که در برخی از کارتهای عروسی قابل مشاهده است. این بخش به همراه نیاوردن کودکان و تلفن‌های همراه مجهز به دوربین مربوط است. در برخی از کارتهای عروسی، که به زبان عربی بود آشکارا از عبارت «ممنوع اصطحاب الأطفال» استفاده شده بود؛ ولی در برخی دیگر از کارتها برای اینکه از چنین عملی که به وجهه دعوت شونده لطمه می‌زند و دور از ادب به شمار می‌رود، از کنشهای گفتاری غیر مستقیم^۱ استفاده می‌کنند؛ زیرا این دسته از کنشها در ارتباط مستقیم با موضوع رعایت ادب است (Gumperz, 1982). درست است که «غیرمستقیم گویی» عنصری جهانی در موضوع رعایت ادب است، هر زبان و فرهنگی برای خود سازوکار ویژه‌ای در این عرصه دارد. در زبان عربی از عبارت «جنه الأطفال منازلهم» استفاده می‌شود که به این معنا است: «بهشت کودکان، خانه‌شان است». در یکی از کارتهای عروسی، که البته به زبان عربی غیررسمی نوشته شده، در پایان کارت چنین آمده بود: توتا، توتا ... نومه حلوه، لکل ولد و بنته: (لالایی لالایی ... خوابهای خوب ببینی ... آقا پسر، دختر خانم کوچولو). در یکی دیگر از

کارتهای عروسی به این دلیل که از شدت کنش خدشه‌سازی مانند امر به نیابردن بچه‌ها کاسته شود، چنین نوشته شده بود: لا تجییوا معاکم أولاد لأنو لو جبتو الأولاد، بعد ساعه ساعتین، بتقولوا أنو الأولاد نعسانین وما نقدر نبقی معاکم (بچه‌ها را با خودتون نیارید. آخه اگه اونارو بیارید، یکی دو ساعت بعدش می‌گید بچه‌ها خوابشون میاد و نمی‌تونیم شما رو همراهی کنیم). در یکی از کارتهایی که به زبان فارسی نوشته شده، چنین آمده است: «بچه نیارین چون خوابش می‌بره و سر و صدا باعث میشه خواب قشنگشون به هم بخوره». راهکار دیگری نیز برای اشاره به همراه نیابردن بچه‌ها در مجلس عروسی وجود دارد؛ مثلاً روی پاکت چنین می‌نویسند: «فلان و حرمه» که این سازوکار دقیقاً در زبان فارسی وجود دارد. در فارسی نیز پشت پاکت می‌نویسند: «فلانی به اتفاق همسر» که این موضوع به معنای آن است که از آوردن فرزندان خودداری کنید. شاید بتوان گفت که امروزه و به دلیل کاهش پدیده چندفرزندی، دیگر دعوت‌کنندگان از عبارت «فلانی به اتفاق همسر» کمتر استفاده می‌کنند؛ ولی در جوامع عربی به دلیل زیاد بودن زاد و ولد، ذکر این نکته ضروری می‌نماید.

به دنبال رواج فناوری تلفن همراه و تجهیز این تلفن‌ها به انواع دوربین و مشکلاتی که برای خانواده‌ها پیش آمده نکته دیگری با اهمیت، عدم انتشار عکسهای خانوادگی است؛ به همین دلیل در کارتهای عروسی به ضرورت همراه نیابردن تلفن همراه مجهز به دوربین اشاره می‌شود. هنگام ذکر موضوع همراه نیابردن این تلفن‌ها در کارتهای عروسی عربی آشکارا عبارت «ممنوع اصطحاب الخلیوات المزدوه بالکامیرا» ذکر می‌شود. در این عبارت به جای اینکه از فعل نهی مستقیم استفاده شود، اسم مفعول به کار رفته و از طریق «اسمی‌سازی» یک بعد از ابعاد فعل (شخص) حذف شده است که احتمال دارد که این کار یکی از ساختارهای حفظ وجهه باشد. در برخی دیگر از کارتهای عروسی، عبارت «یمنع التصویر بالکامیرا» ذکر شده و در آن از صیغه دوم شخص استفاده نشده، بلکه ساختار مجهول به کار رفته است که احتمالاً همین مجهول‌سازی نیز یکی از ساختارهای حفظ وجهه باشد. عبارت دیگری که در

کارتهای عروسی عربی خودنمایی می‌کند، «رجاء عدم التصوير بالأجهزة الخلویه داخل الصاله» است که به این معنا است: «لطفا تصویربرداری با دستگاه‌های تلفن همراه در داخل سالن انجام نگیرد». در اینجا نیز از صیغهٔ دوم شخص استفاده نشده و استفاده از واژهٔ «لطفاً» و به کار نگرفتن صیغهٔ دوم شخص نیز از ساختارهای حفظه وجهه است. در کارتهای عروسی، که به زبان فارسی نوشته شده برای اینکه به موضوع همراه نیاوردن گوشی‌های مجهز به دوربین یا استفاده نکردن از آن در مراسم عروسی اشاره شود، صرفاً در پایین گوشه چپ کارت، عکس دوربین کشیده، و روی آن علامت ضربدر ثبت شده که معنای آن استفاده نکردن از دوربین یا تجهیزات مجهز به آن است.

یکی از دسته‌بندی‌هایی که در مورد زبان ارائه می‌شود، تقسیم آن به زبان رسمی و غیر رسمی است. زبان غیر رسمی اصولاً در میان افرادی استفاده می‌شود که رابطهٔ صمیمی با یکدیگر دارند یا به دیگر سخن، استفاده از این نوع زبان، حکایت از وجود رابطه‌ای تنگاتنگ میان گوینده و شنونده دارد (Hunig, 2003: 373). مطمئناً وجود رابطهٔ رسمی میان افراد، ایجاب می‌کند که این زبان نیز رسمی باشد و استفاده از زبان غیر رسمی می‌تواند در حکم اقدام خلاف ادب تلقی شود. از سوی دیگر، استفاده از واژه یا عبارتی شاید در گفتگوی مستقیم، عادی و رسمی به شمار آید؛ ولی استفاده از همان واژه یا عبارت در متن مکتوب می‌تواند در حکم استفاده از زبان غیر عادی باشد (Hunig, 2003: 375)؛ چرا که واژه‌ها، کلمات، تعابیر، اصطلاحات و نظایر آن بر حسب موقعیتی که توسط کارورزان یا استفاده‌کنندگان آنها انتخاب می‌شود معنای خود را تغییر می‌دهند (مک دانل، ۱۳۷۷: ص ۴۱). در کارتهای عروسی به دلیل مکتوب بودن از زبان نوشتاری رسمی استفاده می‌شود که این موضوع از رابطهٔ رسمی میان دعوت‌کننده و مدعو حکایت می‌کند و به نوعی باعث حفظ جایگاه دو طرف می‌شود؛ ولی در چند سال اخیر اشتیاق به استفاده از زبان غیر رسمی، رشد فزونی به خود گرفته است به گونه‌ای که اهل هر دو زبان فارسی و عربی، گاه‌هایی را به سمت استفاده از زبان غیر رسمی (زبان گفتار) برداشته‌اند. کریستال (Crystal, 1995) و هولمز (Holmes, 1992) استفاده

بررسی و تحلیل دعوتنامه جشن ازدواج در بافت فرهنگی ایران و عراق

از زبان غیر رسمی (زبان محاوره) را اقدامی در جهت ایجاد احساس همگرایی و اشتراک میان گوینده و مخاطب می‌دانند. از طرفی دیگر استفاده از زبان غیر رسمی یا زبان گفتاری در نوشتار، اقدامی در جهت نزدیکتر کردن متن به گفتگو است (Hayes, 2010: 16). این مقوله، که فرکلاف (Fairclough, 1995) از آن با عنوان «گفتگو سازی» یاد می‌کند در مقوله‌های مختلف زبانی می‌تواند بازخورد پیدا کند که از مهمترین آنها می‌توان به استفاده از کلمات محلی و گفتاری اشاره کرد.

خلاصه آنچه در این بخش آمده است به صورت جدول ارائه می‌شود تا خوانندگان نکات تشابه و افتراق این ژانر را به صورت مقایسه‌ای درک کنند:

بخش	عراق	ایران
بخش ابتدایی و آغازین	یک آیه قرآنی / یک شعر / یک عبارت ادبی مسجع	در گذشته، آیات قرآنی و با گذر زمان، عبارت ادبی جای آن را می‌گیرد.
دعوت‌کننده	پدر داماد یا برادرهای بزرگتر داماد	عروس و داماد
	از خود به صورت غایب یاد می‌کنند.	از خود به صورت اول شخص جمع یاد می‌کنند.
هویت عروس و داماد	هویت داماد مشخص می‌شود و هویت عروس به صورت «کریمه» به علاوه نام پدر می‌آید.	هم هویت عروس و هم هویت داماد به صورت نام و نام خانوادگی مشخص می‌شود.
		ممکن است هویت عروس با ذکر حرف اول نامش انجام گردد.
لقب مورد استفاده برای داماد	از القابی مانند مهندس یا دکتر استفاده می‌شود.	استفاده از این القاب رایج نیست.
لقب برای عروس	در مورد عروس فقط واژه «کریمه» استفاده می‌شود.	فقط از واژه «دوشیزه» استفاده می‌گردد.
مکان برگزاری	ابتدا عبارت «ذلک بمشیة الله»	به صورت مستقیم از مکان یاد

می آید و بعد مکان ذکر می شود.	می شود.	جشن
اوقات شرعی «مانند بعد از نماز مغرب»	از زمان رسمی استفاده می شود.	زمان برگزاری جشن
از زمان رسمی استفاده می شود		
اشاره مستقیم «ممنوع اصطحاب الأطفال»	عبارت «آقای ... به اتفاق همسر» در پشت پاکت دعوتنامه جشن ضبط می شود.	همراه نیاوردن کودکان
اشاره غیر مستقیم به مسئله با ذکر حدیث مشهور «جنه الأطفال منازلهم»		
اشاره غیر مستقیم به مسئله با ذکر این توجیه که «بچه ها خسته می شوند و از شما می خواهند جشن را ترک کنید.		
اشاره مستقیم به ضرورت همراه نداشتن تلفن همراه یا خودداری از تصویربرداری	استفاده از شمایل دوربین و قراردادن علامت ضربدر روی آن	همراه نیاوردن تلفن همراه

۵. نتیجه

زبانهای مختلف با داشتن تصورات مختلف از جهان برخی از مفاهیم را با تعبیرات و ساختارهای دستوری متفاوت بیان می کنند. برخی از ساختارهای دستوری، که مفاهیم خاصی را بیان می کنند، بار فرهنگی دارند و طرز فکر خاصی را به نمایش می گذارند. بررسی کارتهای عروسی به زبانهای عربی و فارسی، نگارندگان را به این نکته رهنمون ساخته است که تقریباً در هر دو زبان، ساختار واحدی برای این پیامهای مکتوب وجود دارد. این ژانر در ابتدا با یک عبارت قرآنی یا عبارت ادبی آغاز، و سپس هویت میزبان، هویت عروس و داماد، زمان و مکان برگزاری مراسم و نیز مهمانانی را شامل می شود که اجازه حضور در مراسم را دارند که البته کارتهای دعوت در هر دو کشور، این اطلاعات را با مخاطب به اشتراک می گذارند.

کارتهای دعوت به جشن ازدواج در زبان عربی یا با آیه‌ای از قرآن آغاز می‌شود یا با حدیثی که با ازدواج مرتبط است. در کارتهای دعوت در ایران، که به سالهای واپسین دهه پنجاه و غالب سالهای دهه شصت مربوط است، شاهد استفاده از عبارات یا اشاراتی دینی و مذهبی هستیم؛ ولی این عبارات کم کم جای خود را به عباراتی ادبی در مورد ازدواج می‌دهند و دیگر اثری از آنها در کارتها نمی‌بینیم. پس در جمع‌بندی باید گفت که جامعه عربی عراق دینگراتر است و ازدواج را پدیده‌ای دینی - اجتماعی می‌بیند؛ ولی جامعه ایرانی دچار تحول شده است و ازدواج را بیشتر قراردادی اجتماعی می‌بیند.

در دعوتنامه‌های جشن ازدواج در ایران معمولاً عروس و داماد، میزبان معرفی می‌شوند؛ یعنی آنها هستند که افراد را به حضور در جشن ازدواج دعوت می‌کنند؛ ولی در کارتهای دعوت عربی، شاهد هستیم که پدر یا برادرهای داماد، میزبان به شمار می‌آیند و افراد را برای حضور در جشن ازدواج «فرزند» یا «برادر» خود دعوت می‌کنند. این برداشت را می‌توان کرد که در فرهنگ ایرانی، زن و مرد به حکم اینکه در حال تشکیل خانواده‌ای مستقل هستند از نظر اجتماعی شایستگی و اهلیت دعوت از دیگران را برای حضور در جشن ازدواج خود دارند و علاوه بر آن، شاید استقلال مالی زوجین نیز در این امر مؤثر باشد. در فرهنگ عربی وضعیت متفاوت است. پدر داماد، میزبان معرفی می‌شود و او است که از افراد برای حضور در مراسم جشن دعوت به عمل می‌آورد که شاید دلیل این را باید در عدم استقلال هویتی و مالی داماد جستجو کرد. در فرهنگ عربی، خانواده جدیدی که شکل می‌گیرد، خانواده‌ای درونه‌ای و وابسته به خانواده کلان به شمار می‌آید.

هویت داماد در فرهنگ فارسی، کامل و شفاف بیان می‌شود؛ ولی از آنجا که گوینده پیام، شخص داماد است، دیگر برای توصیف خود از هیچ لقبی استفاده نمی‌کند؛ زیرا این کار به نوعی تمجید از خویشتن به شمار می‌رود و خلاف عرف به شمار می‌رود. در فرهنگ عربی، بعد از مشخص شدن میزبان، که پدر یا برادران داماد هستند، نام داماد می‌آید و البته از آنجا که گوینده فردی غیر از خود داماد است، استفاده از عنوانهایی همچون دکتر، مهندس و ... قابل قبول به



شمار می‌رود. درباره هویت عروس باید گفت که در فرهنگ فارسی، هویت او بروشنی مشخص می‌شود؛ ولی در فرهنگ عربی، نام عروس ذکر نمی‌شود بلکه تنها به این نکته اشاره می‌شود که او «کریمه» (دختر) فلان فرد است. در هر دو فرهنگ، نام داماد در ابتدا می‌آید که به نوعی غلبه مردسالارانه دو جامعه را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، این غلبه گرایشهای مردسالارانه در جامعه عربی به حدی است که حتی ذکر نام دختر نیز عیب و ننگ به شمار می‌رود.

در بخش زمان و مکان، دو تفاوت عمده در کارتهای دعوت ایران و عراق دیده می‌شود: اولین نکته استفاده از زمانهای شرعی برای تعیین زمان مراسم است و نکته دوم استفاده از عبارت «ذلک بمشیئة الله» است که این عبارتها نشان از معیار بودن اوقات شرعی در فرهنگ عربی و هم چنین توجه به استفاده از عبارت «استثنا» در آن است. اینها نشاندهنده توجه بیشتر عراقیها به عوامل دینی در مقایسه با همکیشان ایرانیان است.

کارتهای عروسی نشان می‌دهد که عربها در کلام صراحت بیشتری دارند؛ به عنوان نمونه، آنجا که بحث بر سر نیاوردن فرزندان یا تلفنهای همراه دوربین دار است، عربها آشکارا این موضوع را یادآوری می‌کنند؛ ولی ایرانیها در این بخش، دو راهکار را پیش می‌گیرند یا ذکری از این موضوع به میان نمی‌آورند با این احتمال که فرهنگ کلی جامعه استفاده از چنین عبارتهایی را نمی‌پسندد و میهمانان، خود از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، با خبرند؛ ضمناً در زبان فارسی ذکر مستقیم عبارت «همراه آوردن فرزند ممنوع»، می‌تواند حکایتگر حساسیت و بخل دعوت‌کننده باشد و همین موضوع باعث می‌شود فرد دعوت شده از پذیرش دعوت سر باز زند. راهکار دوم بیان موضوع به شکلی غیر مستقیم است. استفاده از این شیوه، یکی از راهکارهای مهم در جهت حفظ احترام مخاطب است.

در هر دو زبان استفاده از زبان غیر رسمی هنگام طرح دعوت رایج است و احتمالاً این تمایل میان اهل دو زبان هست که رابطه میزبان و مدعو را از قالب و چارچوب رسمی خود خارج، و با این کار نوعی صمیمیت را میان خود و مخاطب احساس کنند.

- لطفی پورساعدی، کاظم؛ «درآمدی به سخن کاوی». *مجله زبان‌شناسی*، ش ۱، بهار و تابستان، ۱۳۷۲

- Al-Ali, M. (2005). Communicating Messages of Solidarity, promotion, and Pride in Death Announcements Genre in Jordanian Newspapers, *Discourse & Society*, 16, 5-31.
- Al-Ali, M. N. (2006). Religious affiliations and masculine power in Jordanian wedding invitation genre. *Discourse & Society*, 17, 691-714.
- Andrea, H. (2010). *Language Toolkit: one*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bhatia, V. K. (1993). *Analyzing genre: Language use in professional settings*. London, England: Longman.
- Brown, H. Douglas. (1987). *Principles of language learning and teaching*. 2nd ed. New gersy: prentice Hall.
- Clynes, A, & Henry, A. (2004). Introducing Genre Analysis Using Brunei Malay Wedding Invitations. *Language Awareness*, 13, 225-242.
- Crystal, D. (1995). *The Cambridge Encyclopedia of the English Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fairclough, N. (1995). *Media Discourse*, Edward Arnold
- Fairclough, N. (2001). *Language and Power*, London: Longman.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing discourse: Textual analysis for social research*. New York: Routledge.
- Gilliot, C. (2006). *Creation of a fixed text in The Cambridge Companion to The Quran*. Edited by Jame Dammen McAuliffe, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gumperz, J. (1982). *Discourse strategies*. Cambridge: Cambridge University Press
- Hayes, A. (2010) *Language Toolkit: one*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holmes, J. (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. Longman.
- Hunig, W. (2003) *Style Labels in Monolingual English Learner s Dictionaries in Motivation in Language* - edited by Hubert Cuyckens , Thomas Berg, Rene Dirven , Klaus-Uwe Panther: John Benjamins
- Johns, Ann M. (1997). *Text, Role and Context: Developing Academic Literacies*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, C. (1984). «Genre as Social Action», *Quarterly Journal of Speech*, 70: 151-167.
- Mirzaei, A. & Eslami, Z. R(2013). «Exploring the Variability Dynamics of Wedding. Invitation Discourse in Iran», *Journal of Pragmatics*, 55, 103-118.
- Ruth, (2001), "What CDA is About: A Summary Of Its History, Important Concepts and Its Development " ,in Wodak, Ruth & Meyer, و Wodak Micheal, *Methods of Critical Discourse*

۱۶۴



دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۵، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- Analysis, *SAGE Publicatins*, London, Thousand, New Dehli, First Published PP.1-13.
- Ruthven, M. (2007). *Fundamentalism: A very short Introduction*, Oxford University Press.
 - Salih, M.(1996). «A Sociopragmatic Analysis of Invitations in English and Jordanian Arabic», *AL – Abhath XLIV*, 113-130.
 - Sharif, M. & Yarmohammadi, L. (2013). «On the Persian Wedding Invitation Genre», *SAGE Open*, 3(3), 1-9.
 - Thomas Berg, Rene Dirven , Klaus-Uwe Panther: John Benjamins Publishing Co. PA
 - Van Dijk, T. A. (1998). *Critical Discourse Analysis, To appear in Tannen. D. & Schiffrin, D.& Hamilton , H. (Eds) , Handbook of Discourse analysis (in preparation) , PP:352-371.*
 - Van Dijk, Teun(2001), "*Principial of Critial Discourse Analysis "*, in Michael Toolan, ed, *Critical Discourse Analysis*, volume2, Routhledge ,London and New York, First Published , PP. 104 – 143.
 - Walker, T. (2007). *Thou and You in Early Modern English Dialogues*, John Benjamins Publishing Company.
 - Wodak, R. (2002). *Aspects of Critical Discourse Analysis , Azfal .36 , PP:5-31.*
 - Wolfgang, H. (2003). *Style Labels in Monolingual English Learner s Dictionaries in Motivation in Language*, edited by Hubert Cuyckens.
 - Wolfson, N. (1981). «Invitations, Compliments and the Competence of the Native Speaker», *International Journal of Psycholinguistics*, 8: 7 – 22
 - Wortham, S. (2007). *Education 645: Methods of Discourse Analysis.*